



نقش و نگارها و رنگ قطعه‌های یاد شده و نیز از برخی سالها که جامه عاری از آن قطعه‌ها بوده، یاد کرده و از نوشته‌های نقش بسته بر زمینه آنها و نیز از نقاطی که آن قطعه‌ها بر جامه کعبه قرار داشته، سخن به میان آورده است.

وی می‌گوید: در سال ۸۱۰ هجری قمری بر روی جامه سمت شرقی کعبه، قطعه‌های ابریشمی نقش داری به رنگ سفید به وجود آوردند که در سالهای ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳ و ۸۱۴ نیز چنین کردند ولی در سال ۸۱۵ این کار صورت نگرفت؛ به طوری که تمامی سمت شرقی، تا سالهای ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، همانند پیش به رنگ سیاه بود، لیکن از آن پس، در سمت شرقی، با

اول: پیدایش کردشیه و طراز (کمربند) و پرده در کعبه:۱

پیش از آنکه درباره پیدایش آذین و نوشته بر جامه شریف کعبه سخن بگوییم، ضروری است، نخست درباره پیدایش «کردشیه» و کمربند و پرده در کعبه سخن به میان آوریم؛ زیرا آذین و نوشته، همواره به صورت عمومی بر تمامی قطعه‌های جامه کعبه شریفه قرار دارد.

جامات یا قطعه‌های طلایی و نوشته‌دار جامه کعبه شریفه:

پیشینه قطعه‌های طلایی و نوشته شده بر جامه کعبه، به سال ۸۱۰ هجری می‌رسد. فاسی پس از نقل این مطلب، از

از مطالب گفتنی درباره طراز (کمربند) و پرده در کعبه (برقع)، آگاهی دقیقی در دست نیست. همچنین هیچگونه آگاهی درباره زمان پیدایش و افزودن هر یک از آنها بر جامه کعبه معظمه، وجود ندارد، با آنکه برخی از تاریخ نگاران همانند فاسی، قلقشندی و ابن جبیر در میان نوشته‌های خود، اشاره‌ای به پیدایش کمربند در دوران خود و دورانهای پیش از آن، کرده‌اند. و نیز اشاره فاسی و قلقشندی به پیدایش پرده در کعبه در عصر خود دیده می‌شود، لیکن هیچیک از آنان نامی از نخستین شخص عمل کننده بدان، و زمان پیدایش آن‌ها سخنی به میان نیاورده‌اند.

کتابهای فراوانی را مورد بررسی قرار دادم تا شاید بتوانم نخستین شخص اقدام کننده به آن را یافته و یا تاریخ آن را به دست آورم، لیکن در این زمینه موفقیتی کسب نکردم.

تاریخ نگاران آنگاه که درباره جامه‌های کعبه در دوران جاهلیت و عصر پیامبر ﷺ و نیز زمان خلفا و قدرت امویان و نیز عصر عباسی اول مطلب می‌نگاشتند هیچگونه اشاره‌ای، نزدیک و یا دور به کمربند آن نکرده و یا سخنی از پرده در کعبه به میان نیاورده‌اند و از این رهگذر عبور کرده‌اند.

قطعه‌های ابریشمی نقش‌دار سفید رنگ در قسمت زیرین کمربند تا پایین جامه آن هم در هر قطعه آذین نمودند.

این ماجرا در سال ۸۱۹ رخ داد. در قطعه‌های یاد شده، نوشته «لا اله الا الله، محمد رسول الله» به رنگ سفید آذین شده بود. قطعه‌های پیشگفته که به شکل دایره بود، به سال ۸۱۰ پدید آمد و همچنان تا پنج سال متوالی پس از سالهای هفده و هجده همچنان به رنگ سفید بود تا اینکه در سال ۸۲۵ قطعه‌های نوشته شده به رنگ سفید برداشته شده و قطعه‌هایی به رنگ سیاه جایگزین آنها گردید.^۲

«قلقشندی» نیز از پیدایش قطعه‌های نوشته شده، در تاریخی که فاسی از آن یاد کرد، مطالبی آورده است: وی در کتابش (صبح الأعی) می‌نویسد:

«... سپس برخی از سمت‌های جامه، طبق معمول از ابریشم سیاه بود و برخی دیگر در میان ابریشم سیاه و در آن قطعه‌های نوشته شده به رنگ سفید بود که «لا اله الا الله، محمد رسول الله» بر آن نقش بسته بود. از آن پس، در سال ۸۱۴ ه. ق. سمت پیش روی جامه، به وسیله تعدادی از قطعه‌های نوشته شده به رنگ بنفش آذین گردید...»^۳

طراز (کمر بند) جامهٔ کعبه

اگر نوشته‌های تاریخ نگاران را، که در این باره نگاشته‌اند، بررسی کنیم، به آگاهی‌های تقریباً گسترده‌ای دست می‌یابیم. یکی از آنان فاسی است. وی در «عقد الفرید» به نقل از ابن عبد ربّه (متوفای سال ۳۴۹ ه. ق.) جامهٔ کعبه را توصیف نموده و از زمان قرار داده شدن آن بر کعبه نیز یاد کرده است. گفتهٔ او چنین است:

«... هنگامی که حاجیان در روز نحر (عید قربان) از احرام خارج شدند، کعبه نیز از احرام خارج گردید و در این حال به وسیلهٔ جامه‌ای از دیباج^۴ سرخ خراسانی، که بر آن دایره‌هایی است مکتوب و درون آنها حمد پروردگار و ثنا و تکبیر و تعظیم او نقش بسته است، پوشانیده شد. این جامه تا سال آینده همچنان بر روی کعبه قرار دارد و در آن هنگام، دوباره به وسیلهٔ جامهٔ توصیف شده، تغییر می‌یابد.»^۵

از گفتهٔ ابن عبد ربّه چنین برداشت می‌شود که جامهٔ دوران او (عصر عباسی دوم) از دیباج سرخ بوده که دایره‌هایی از نوشته‌ها با عبارت‌های حمد و ثنا و تکبیر و تعظیم باری تعالی داشته است. آیا می‌توان گفت که منظور از دایره‌های نوشته شده

همان کمر بند بوده است؟ ممکن است چنین باشد و شاید این دایره‌ها به صورت کمر بند کنونی نبوده، لیکن در هر صورت نشان دهندهٔ آن است که در آن هنگام در برخی از قسمتهای جامه، نوشته‌هایی وجود داشته که با گذشت زمان کم کم در این زمینه پیشرفت‌ها و خلاقیت‌های نوینی به کار رفته و در پایان به صورت کمر بند کنونی در آمده است.

گفتنی است که پس از این دوران، در میان گفته‌های تاریخ نگاران، به واژهٔ «دایره‌ها» یا «حلقه‌ها» برخورد نمی‌کنیم و تنها پس از گذشت یکصد سال تقریباً از دوران ابن عبد ربّه است که اشارهٔ دیگری به وجود کمر بند بر روی جامهٔ کعبه شده است. در این اشاره، تصریح به نام آن نگردیده است.

در فاصلهٔ میان سالهای ۴۳۷ تا ۴۴۴ ه. ق. ناصر خسرو جامهٔ کعبه مشرفه را از نزدیک دیده و در سفرنامهٔ خود آن را اینگونه توصیف کرده است:

«... اما جامه به رنگ سپید رگه‌دار (مخطط) بوده که بر روی آن دو نوار به عرض یک ذراع قرار داشت. ارتفاع جامه میان دو نوار یاد شده ده ذراع بوده به طوری که قسمتهای زیرین و زیرین دو



قدیمی که بر روی جامه پیشین وجود داشت آن را آذین کرد.^۷

گفتنی است نخستین بار نوشته بر روی کمر بند در دوران خلافت «الناصر لدین الله عباسی» صورت گرفت که ابن جبیر در سفرنامه خود، به سال ۵۷۹ هجری در این باره چنین یاد می‌کند:

«... هنگامی که روز سه شنبه سیزدهم شهر مبارک یاد شده (ذی الحجه) فرا رسید. شیبیان جامه سبز درخشنده‌ای را که دیده‌ها بدان روشن می‌گردید، بر کعبه قرار دادند. در بالای جامه یاد شده نقش وسیعی به رنگ سرخ در سمت پیش روی کعبه و در برابر مقام کریم و در کنار در مکرّم بیت که همانا صورت مبارک کعبه است قرار داشت. در زمینه نقش یاد شده پس از بسم الله آیه: ﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ﴾^۸ نوشته شده بود.

در بخش‌های دیگر آن، نام خلیفه و دعا برای او، دیده می‌شد. در پیرامون نقش یاد شده، دو طغرای سرخ با دایره‌های سفید کوچک قرار داشت که در آن با خط بسیار ظریفی، آیاتی چند از قرآن و همچنین نام خلیفه به چشم می‌خورد...»^۹

این چنین در می‌یابیم که ابن جبیر

نوار به همان اندازه بودند. و بدین گونه، کعبه آنچنان به نظر می‌رسید که به سه قسمت تقسیم گردیده است لازم به تذکر است که اندازه‌های یاد شده بر اساس تعیین تقریبی اینجانب به ده ذراع می‌رسید.^۶

بی‌شک اشاره ناصر خسرو به وجود این دو نوار بر روی جامه؛ یکی در نقطه ثلث جامه و دیگری در ارتفاع دو ثلث از آن گواه متقنی است بر وجود دو کمر بند بر جامه کعبه.

از آن پس، همواره کلمه کمر بند (طراز) را با صراحت به هنگام سخن از جامه ملاحظه می‌کنیم؛ همچنانکه یادآوری می‌گردد، در آن هنگام؛ یعنی در آغاز خلافت «ناصر عباسی»، جامه کعبه از دیباج سبز تشکیل می‌گردید «و سپس در دوران او کعبه به وسیله جامه‌ای سیاه پوشانیده شد... که در آن طرازی (= کمر بند) از زرد قرار داشت، گفتنی است که پیش از آن، این طراز به رنگ سپید بود.»

هنگامی که جامه بر اثر توفان شدیدی که به سال ۶۴۴ ه. ق. رخ داد، پاره شد. منصور بن منعه بغدادی، بزرگ حرم مکی، جامه‌ای از پنبه، رنگ آمیزی شده به سیاه را بر کعبه آویخت و به وسیله کمر بند

ضمن مطالبش از وجود کمر بند «نقش وسیع به رنگ سرخ» یاد کرده که پیرامون کعبه را از تمامی قسمت‌ها دربر گرفته و درون آنها نوشته‌هایی قرار داشته است.

وی همچنین از ظهور نوشته‌های نوین بر جامه یاد کرده که آن «دو طغرای سرخ با دایره‌های سفید کوچک» است و نوشته‌هایی در متن دایره‌های یاد شده وجود داشته که شامل آیاتی از قرآن کریم و نام خلیفه بوده است.

به نظر می‌رسد که این نوشته‌ها همان آذین‌های زربفت بوده که بعد از این به نام قطعه‌های طلایی نوشته شده یا به «کردشیات» و یا «رنوک» معروف گردیده که در آینده به هنگام سخن از جامه کعبه در دوران جدید و کنونی، از آن یاد خواهیم کرد. تاریخ نگاران در ادامه مطالب خود، به مسأله طراز (= کمر بند) در دورانهای پس از ابن جبیر نیز اشاراتی داشته‌اند.

فاسی و قلقشندی از چگونگی «کمر بند» در دوران ممالیک، که در اواخر قرن هشتم و اوایل قرن نهم هجری بوده، مطالبی آورده، و گفته‌اند: در این دوران رنگهای کمر بند گوناگون و نوشته‌های روی آن متغیر بوده است. نکته گفتنی این که: فاسی خود درباره کمر بند و آیات قرآنی

نوشته شده بر روی آن در سمت‌های چهارگانه کعبه می‌نویسد:

«... جامه کعبه دارای کمر بندی از ابریشم زرد بوده که پیش از آن، آنچنانکه ما آن را مشاهده کردیم، این کمر بند به رنگ سبید بود. نخستین بار یک یا دو سال، پیش از سال هشتصد، کمر بند به رنگ زرد انتخاب گردید.

بر روی کمر بند جامه کعبه آیاتی از قرآن کریم نقش بسته است، در سمت شرقی آن، این آیات آمده است:

﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ * فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مِّمَّا إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَللّٰهُ عَلَى النَّاسِ حُجُّ الْبَيْتِ مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾^{۱۰}

و در سمت غربی:

﴿وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ * رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمَيْنِ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُّسْلِمَةً لَّكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾

و در سمت یمانی:

﴿جَعَلَ اللّٰهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا

پایان دولت ظاهریه برقوق^{۱۲} و آغاز دولت ناصریه فرزندش «فرج» جریان دارد، این است که:

«کعبه به وسیله جامه‌ای از دیباج سیاه برجسته، از بالا تا پایین پوشانیده شده که در قسمت زیرین آن کمربندی از همان ابریشم به رنگ سپید قرار دارد و بر روی آن آیه: «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا» نقش بسته است. سپس آیات دیگر... و آنگاه در سال... و هشتصد در دولت ناصریه، فرج بن برقوق، کمربند یاد شده، از رنگ سپید به رنگ زرد تغییر یافت. پس نوشته‌ها در زمینه‌ای سیاه با ابریشمی زرد مزین به طلا قرار گرفت. مخفی نماند که این روش زیباتر از پیش به نظر می‌رسید؛ زیرا ترکیب دو رنگ سیاه و سپید جلوه خاص دیگری را به خود گرفته بود...»^{۱۳}

بدین ترتیب، روشن می‌شود که کمربند روی جامه، از دورانی بس پیش (دوران عباسی دوم) پدید آمد و در دوران ممالیک پیشرفت قابل ملاحظه‌ای کرد و سرانجام تقریباً شبیه کمربند کنونی در آمد.

پرده در کعبه (برقع):

طول و عرض پرده در کعبه به اندازه

لِلنَّاسِ وَالشَّهْرَ الْحَرَامَ وَالْهَدْيَ
وَالْقَلَابِدَ ذَلِكَ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا
فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَنَّ
اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»

و در سمت شامی نام پادشاه مصر و فرمان او برای ساختن جامه را بافته‌اند. طراز (کمربند) یاد شده، در ناحیه ربع زیرین از خانه قرار دارد.^{۱۱}

اگر به آیات قرآنی نوشته شده بر روی کمربند دقت کنیم و آن را با آنچه که در پیش نوشته می‌شده و اکنون نیز در دوران حاضر نوشته می‌شود به مقایسه بگذاریم، روشن می‌شود که با تغییرات بسیار اندکی، همان آیات نوشته می‌شود، همچنانکه در سمت شامی، که ویژه اهدای جامه بوده، اکنون نیز در دوران حاضر به همان صورت انجام می‌گیرد.

اما قلشقندی - که معاصر فاسی بوده - درباره کمربند تنها به بیان آیات نوشته شده در سمت شرقی، که در کعبه مشرفه در آن است، بسنده کرده، سپس به رنگهای گوناگون کمربند پرداخته و آن را با رنگ جامه، مورد بررسی قرار داده است. او ترکیب این رنگها با یکدیگر را بسیار زیبا و دلنشین توصیف نموده، می‌گوید:

«آنچه که هم اکنون در دوران ما تا

فضای در کعبه در طول و عرض بوده، لیکن به اندازه بسیار اندکی این پرده بلندتر و عریض تر گرفته شده تا اینکه به هنگام آویخته شدن کاملاً آن را بپوشاند. هم اکنون از زمان پیدایش و نیز نخستین سازنده آن، همچنانکه پیش از این اشاره نمودیم، اطلاع دقیقی در دست نیست. با بررسی مطالب تاریخی در این باره، نتیجه می‌گیریم که نخستین پرده در کعبه به اوایل قرن نهم هجری می‌رسد.

فاسی می‌گوید: «... در این سال (۱۱۹ هـ. ق.) پرده گرانمایی را برای در کعبه ساختند که این پرده از پرده‌های پیشین که دیده بودیم، بسیار زیباتر بود...»^{۱۴}

قلقشندی پس از ذکر نوشته‌های زریفت و کمر بند جامه کعبه در اوایل قرن نهم هجری، می‌گوید: «... بر در کعبه پرده‌ای است به اندازه در، که بر روی آن نوشته‌هایی به رنگ سفید دیده می‌شود...» که این در پایان دولت ظاهریه «برقوق» و اوایل دولت ناصریه فرزندش فرج بوده که «ظاهریه برقوق» متوفای سال ۸۰۱ هـ. ق. است. «... از آن پس پرده در کعبه از ابریشم سیاه بافته شده که زمینه آن به وسیله تارهای نقره پوشیده از طلا مزین گردیده بود و این کیفیت آن را بسیار نفیس و

گرانقدر ساخته بود.»^{۱۵}

با آنکه اشاره فاسی و قلقشندی به ظهور پرده در کعبه، در اوایل قرن نهم هجری بوده، لیکن زمان پدید آمدن آن را پیش از آن دانسته‌اند و از تاریخ دقیق و به وجود آورنده آن سخنی به میان نمی‌آورند. ضمن بررسی و مطالعه، به مطلبی برخوردیم که در آن از چتر یا آفتاب‌گیر یاد شده است. به این ترتیب که از دوران اموی سائبانهایی به شکل چتر^{۱۶} به کعبه اهدا می‌شده است. در آن هنگام سائبانهای یاد شده را در سمت پیش روی کعبه قرار می‌دادند.

فاسی ضمن شرح از «آویزه‌های کعبه و هدیه‌های آن به عنوان زینت» می‌نویسد: «... عبدالملک بن مروان دو سائبان به همراه کاسه بلورین، بدان ارسال نمود...» سپس ادامه می‌دهد: «... مأمون نیز یاقوت گرانمایی ارسال کرد که همه ساله به هنگام موسم؛ به وسیله زنجیری در پیش روی کعبه آویخته می‌شد و نیز جعفر متوکل (علی الله عباسی) سائبانی از طلا را هدیه کرد که به وسیله دُر گران قیمت و یاقوت ارزشمند و زبرجد تزین گردیده بود. این سائبان به وسیله زنجیری همه سال در موسم حج در پیش روی کعبه



همه ساله در فصل موسم، زنجیری نیز ارسال می‌گردید. ارزش آن زنجیر به همراه سایبان آذین شده به در و یاقوت و جواهرات گران قیمت، غیر قابل تعیین بود. این هدایی‌ها به همراه امیری از عراق فرستاده می‌شد که به پرده‌داران کعبه تسلیم می‌گردید و به نظر آنان می‌رسید، آنگاه در روز ششم ذی‌حجه، در پیش روی کعبه آویخته می‌شد و در روز ترویبه جمع می‌گردید.^{۱۸}

مقریزی همچنین به سایبان ارسالی از سوی خلیفه فاطمی، «المعز لدین الله» اشاره کرده که در روز عرفه سال ۳۶۲ هجری بدان نصب گردید، وی مطالب گسترده‌ای نیز از مساحت و پارچه بافته شده آن و همچنین از جواهرات و سنگهای ارزشمند تزیین شده بر روی آن آورده و حتی از نوشته‌های روی آن نیز یاد کرده است.

مقریزی آنگاه دیدگاه مردم در روز نحر (عید قربان) و زبان ستایش آنان را توصیف نموده، می‌گوید:

«در روز عرفه «معز» سایبانی را که برای کعبه آماده کرده بود، در ایوان کاخ خویش به نمایش گزارد. این سایبان دارای وسعتی به اندازه دوازده و جب در دوازده

آویزان می‌شد.»^{۱۷}

بنابراین، خلیفه اموی، عبدالملک بن مروان، نخستین فردی است که سایبانی را به کعبه مشرفه هدیه کرد و پس از او، دیگر خلفا از وی پیروی کردند. به نظر می‌رسد که فرستادن سایبان آنچنان ضروری به نظر نمی‌رسیده که هر یک از خلفا آن را اهدا نمایند؛ زیرا از آن سایبانها تنها در زمان کوتاهی، آن هم در موسم حج استفاده می‌کردند و پس از آن تا فرارسیدن موسم دیگر برداشته می‌شده است. بنابراین برخی، جواهرات گران سنگی را به کعبه اهدا می‌کردند که تعدادی از آنها را به عنوان زینت به روی سایبان قرار می‌دادند.

مقریزی در جای دیگر «جعفر المتوکل علی الله عباسی» را نخستین شخص اهدا کننده سایبان به کعبه شناسانده چنین می‌گوید:

«اولین فردی که سایبان به کعبه هدیه کرد، جعفر المتوکل علی الله عباسی بود که آن را با زنجیری که وی فرستاده بود به همراه یاقوت هدایی از سوی مأمون، همه ساله در پیش روی کعبه آویزان می‌کردند. به طوری که پس از آن، این عمل به صورت سنتی در آمد و در هر سال، به هنگام موسم، آویز می‌گردید. در آن دوران،

وجب داشت و زمينه آن از ديباج سرخ و پيرامونش به دوازده هلال طلا مزین بود در میان هر هلال، ترنجی از طلای مشبک و در دل هر ترنج، پنجاه درّ بزرگ همانند تخم کبوتر دیده می شد. در آن همچنین یاقوت سرخ و زرد و بنفش به چشم می خورد. در اطراف سایبان یاد شده، آیات حج به وسیله زمرد سبز تزین گردیده بود که در میان نوشته ها، درّهای بزرگی که تا آن هنگام همانند نداشت، چشمها را خیره می کرد. سایبان یاد شده را با مشک خوشبو ساخته بودند. تعدادی از خدمتکاران به علت سنگینی، آن را کشیده و نصب نمودند... معز بامدادان برای نماز عید قربان به جایگاه خویش حرکت و آنچه که در نماز عید؛ از قرائت و تکبیر و رکوع و سجود طولانی بود، انجام داد و سپس خطبه خواند، آنگاه با همراهان خویش حرکت نموده، در کاخ خویش فرود آمد. در این هنگام بود که بارعام داد و مردم گروه گروه برای دیدن سایبان نصب شده، بدان وارد شدند. در آن روز از تمامی مردم - از شامیان و عراقیان - کسی باقی نماند که سایبان را از نزدیک نبیند! و این در حالی بود که تمامی مردم عراق و شام و دیگر حاجیان اذعان داشتند که تا آن زمان همانند آن سایبان را ندیده

بودند...!»^{۱۹}

حال آیا می توان گفت که آن سایبانها، همان پرده در کعبه بوده اند؟ و یا آیا ممکن است بگوییم که آن سایبانها که بر پیش روی کعبه قرار داده می شده، زمينه فکری نوینی را برای متخصصان ایجاد کرد که پرده ای را برای در کعبه به وجود آورند؟ خداوند سبحان به حقایق آگاهتر است. در هر حال، پرده در کعبه همه ساله بافته می شد و به همراه جامه کعبه ارسال می گردید و با گذشت زمان، تغییراتی در چگونگی تزین آن صورت می گرفت به طوری که در بافت آن از تارهای نقره ای زر اندود و نیز نوشته هایی از آیات قرآنی و جز اینها به کار می رفت تا اینکه به صورت کنونی درآمد.

در بخش جداگانه ای به هنگام سخن از چگونگی ساخت آن در مصر عصر جدید و در دولت سعودی کنونی به تفصیل سخن خواهیم گفت.

دوم - پیدایش گلدوزیهای طلا و نقره بر جامه کعب

پیشینه تزین قسمتهای مختلف جامه از قطعه های نوشته شده و کمر بند و پرده در کعبه و آذین آنها به تارهای نقره ای



حسن این جامه را در سال هفتصد و شصت و یک (از هجرت) ارسال کرده است.»^{۲۰}

به نظر می‌رسد اهتمام به آذین قطعه‌های نوشته شده از جامه درونی کعبه مشرفه به وسیله گلدوزیهای طلایین و ترک آذین قطعه‌های نوشته شده بر روی جامه بیرونی، بدان جهت است که جامه درونی هر سال ارسال نمی‌گردید. بلکه به فاصله زمانی دور از هم فرستاده می‌شد. بنابراین، زمان لازم برای آذین آن وجود داشت، به عکس جامه بیرونی که همه ساله تهیه و ارسال می‌شد و با توجه به امکانات فنی و مالی آن زمان، یک سال، زمان چندانی برای آذین قطعه‌های نوشته شده به طلا نبود.

اما درباره کمربند، باید گفت، با آنکه پیشینه بافت آن بر روی جامه، به زمانی بسیار دور (دوران عباسی دوم) بازمی‌گردد، لیکن تاریخ نگاران از چنین آذینی مطلب نوشته‌اند و تا پیش از قرن نهم هجری، از جامه بدون گلدوزیهای نقره با پوشش طلا یاد کرده‌اند و گفته‌اند که همواره نوشته‌های آن به وسیله ابریشم سفید سپس از ابریشم زرد بوده تا اینکه در دوران سلطان فرج بن برقوق در اوایل قرن نهم هجری کمربند به

پوشیده شده از طلا، بر اساس آنچه که تاریخ نگاران در ضمن شرح از قطعه‌های نوشته شده آورده‌اند، به اوایل قرن نهم هجری می‌رسد که با ابریشم سفید و گاه به وسیله ابریشم سیاه بوده است.

از آن پس، این نقش و نگارها جای خود را به نقش‌های دیگری داد که موسوم به «کردشیات» یا «رنوک» بود. گفتنی است که ذکری از قطعه‌های نوشته شده به صورت اولیه، که بر روی جامه بیرونی کعبه قرار داشت، به میان نیامده است.

اما نسبت به جامه درونی کعبه، فاسی اشاره کرده است که سلطان «ناصر حسن» برادر سلطان «ملک صالح اسماعیل» فرزند «ملک ناصر محمد بن قلاوون» جامه‌ای را در سال ۷۶۱ ه. ق. ساخت که بر آن قطعه‌های نوشته شده با تارهای طلا آذین گردیده بود.

فاسی در این باره می‌نویسد:

«... و آن از ابریشم سیاه بود که بر آن قطعه‌های نوشته شده به وسیله تارهای طلا دیده می‌شد. این غیر از قسمتی از سقف میان دو ستون مقابل در کعبه بود. این قسمت از ابریشم سرخ بود که در وسط آن قطعه‌ای بزرگ آذین شده به گلدوزیهای طلا قرار داشت. سلطان

وسيلة نوشته‌های طلا آذین گردید.

قلقشندی می‌گوید: «... سپس در سال ... و هشتصد در دولت ناصریه فرج بن برقوق، رنگ کمر بند از سپید به زرد تغییر داده شد، به طوری که از آن پس، نوشته‌ها بر روی زمینه سیاه با ابریشم زرد و با گلدوزیهای طلایی آذین گردید. مخفی ماند که از اولی نفیس‌تر و از دومی جذاب تر می‌نمود...»^{۲۱}

برخی از محققان در این باره - به نقل از نوشته «افادة الأنام بذکر أخبار بلد الله الحرام» به قلم شیخ عبدالله بن محمد غازی - آورده‌اند: که نخستین شخصی که کمر بند را با طلا آذین کرد، سلطان عثمانی سلیم بن سلیمان بود. پیش از آن، کمر بند از ابریشم زرد بود.^{۲۲}

بدین ترتیب، هنر آرایش و آذین بندی کمر بند به وسیله گلدوزیهای نقره‌ای پوشیده از طلا، همچنان پیشرفت کرد، به ویژه آنگاه که وقف گسترده‌ای از سوی سلطان سلیمان قانونی برای ساخت جامعه کعبه مشرفه قرار داده شد، امکانات مادی بیشتری را برای این منظور مهیا ساخت. همچنانکه پیش از این یاد آوردیم سلطان سلیمان هفت دهکده مصری، اضافه بر سه دهکده‌ای که از سوی سلطان دوران

ممالیک، صالح اسمایل فرزند سلطان ناصر محمد بن قلاوون بدین منظور قرار داده بود، وقف کرد.

همچنین گفتنی است: با گذشت دورانهای مختلف، هنر آرایش نیز رشد کرد تا آنجا که کمر بند کعبه، خود آیت و نشانی از زیبایی و جمال گردید. در بخشهای آینده، درباره جامعه مصری و جامعه سعودی سخن خواهیم گفت.

اما پرده در کعبه - که پیدایش آن اوایل قرن نهم هجری بوده، در آغاز به وسیله ابریشم سفید و سپس به وسیله گلدوزی با تارهای نقره‌ای پوشیده از طلا آذین شده بود. قلقشندی می‌گوید:

«... بر روی در، پرده‌ای است به اندازه همان در که بر آن نوشته‌هایی به رنگ سپید وجود دارد. از آن پس پرده در خانه از ابریشم سیاهی تشکیل می‌گردید که بر روی آن گلدوزیهای نقره‌ای پوشیده از طلا دیده می‌شد و این وضعیت بر زیبایی و ارزش آن می‌افزود.»^{۲۳}

آنگاه که عثمانیان به مصر و شام و حجاز سلطه یافتند، سلطان سلیم اول کوشش ویژه‌ای نسبت به جامعه کعبه و پرده در آن کرد؛ به طوری که ابن ایاس در این باره اینگونه نوشته است:



نقره‌ای پوشیده از طلای آن اهتمام به خرج می‌دادند تا اینکه به درجه‌ای والا از زیبایی و هنر رسید.

بنابراین، آشکار می‌شود که قسمت‌های گوناگون جامه شریفه، زاییده عصر کنونی نبوده بلکه پیدایش و ظهور آنها به دورانهای گذشته و قرون پیشین باز می‌گردد. همچنانکه هنر آذین‌بندی و قرار دادن گلدوزیهای نقره و طلا بر اجزای جامه نیز ریشه در دوران‌های گذشته دارد و با گذشت زمان ترقی و رشد نموده و به وضعیت کنونی رسیده است.

سوّم: پیدایش نوشته در جامه کعبه شریفه:

همانطور که پیش از این گفتیم، نخستین کسی که کعبه مشرفه را جامه پوشانید طبق نظریه مشهور - تُتبع پادشاه جَمیر بوده است که از آن پس، مردم - چه در دوران جاهلیت و چه در دوران اسلام - نیز از او پیروی کردند. آنها جامه‌های گوناگونی را؛ مانند حصیر و قطعه‌های حرم و چادر و جُل‌های مختلف از پارچه‌های حبری و قباطی و خز و دیباج... و جز اینها و آنچه که در قدرت و امکانشان در آن زمان بود بر آن قرار می‌دادند. ساختن جامه از دورانهای

«... کوشش ویژه‌ای را (سلطان سلیم) بر خلاف عادت نسبت به جامه کعبه از خود نشان داده، تا آنجا که آذین پرده در کعبه را به درجه‌ای والا رسانید...»^{۲۴}

اهتمام و کوشش نسبت به آذین پرده در کعبه در دوران عثمانی، به ویژه پس از به وجود آمدن امکانات فتی و مالی برای آن، همچنان ادامه یافت و هنگامی که دولت سعودی نخستین، برپاگردید و سلفی‌ها بساط قدرت خویش را بر حجاز گسترده، آنان پس از خودداری مصر از ارسال جامه به سوی کعبه مشرفه، خود بدان اهتمام ورزیده، چهار چوب و پرده در کعبه را به وسیله طلا نقره آذین کردند.

سعود بزرگ در سال ۱۲۲۱ هجری جامه‌داری «از ابریشم سرخ بر کعبه نهاد و سپس در سالهای پس از آن، کعبه را با دیباجی سیاه پوشانید و بر آن حاشیه و ازاره‌ای از حریر سرخ گلدوزی شده، به وسیله طلا و نقره نصب کرد. بر در کعبه نیز پرده‌ای سرخ آذین شده به طلا و نقره آویخت.^{۲۵} و چون دولت عثمانی مجدداً حجاز را ضمیمه خاک خود کرد، دولت مصر از آن پس همچنان جامه برونی کعبه را همانند گذشته می‌فرستاد.

آنان همچنان به آذین بافته‌های

كسوة الكعبة على يد الخطاب بن مسلمة عامله سنة تسع و خمسين و مائة»^{۲۶}.

و نیز گفته است: «بر روی جامه‌ای از جامه‌های المهدی، این نوشته را دیدم:

«بسم الله بركة من الله لعبد الله المهدى محمد امير المؤمنين - أطال الله بقاءه، ممّا أمر به اسماعيل بن ابراهيم أن يصنع من طراز تنيس على يد الحكم بن عبيد سنة اثنين و ستين و مائة»^{۲۷}

همچنین گفته است: «بر روی جامه‌ای که از سوی هارون الرشید از مصر ارسال شده و از قباطی، بود این نوشته را مشاهده کردم:

«بسم الله بركة من الله للخليفة الرشيد عبدالله هارون امير المؤمنين اكرمه الله. ممّا أمر به الفضل بن الربيع أن يعمل من طراز تونة^{۲۸} سنة تسعين و مائة».

گذشته تا کنون، همچنان رو به پیشرفت و تزقی گذارده و بر اساس شهر سازنده و تمدن آن، تغییر می‌کرد تا اینکه هم اکنون در دوران کنونی ما به بالاترین درجه از زیبایی و متانت و خلاقیت رسیده است.

جامه شریف در آغاز پیدایش خود، به جهت آشنا نبودن مردم با خط و نوشتن، خالی از هر گونه نوشته و نقشی بود. این وضع تا نیمه‌های قرن دوم هجری (یعنی تا دوران عباسی) ادامه یافت از آن هنگام نام دستور دهندگان به ساخت جامه و تاریخ بافته شدن آن و احياناً نام مکانی که در آن ساخته شده، بر آن نوشته می‌شد.

مقریزی به نقل از فاکهی در اخبار مکه این چنین یاد می‌کند:
«جامه‌ای از قباطی را بر آن مشاهده کردم که بر روی آن نوشته بود:

«ممّا أمر به عبدالله المهدى محمد امير المؤمنين أصلحه الله محمد بن سليمان أن يصنع من طراز تنيس

پانوشتها:

۱- در متن کتاب، تیر این بخش، به صورت جامات و طراز و برقع آمده است. نویسنده کتاب خود مقصود از طراز را کمر بند جامه کعبه یاد کرده و برقع را به عنوان پرده در کعبه عنوان نموده است. اما جامات را نقش و نگارهای ابریشمی با تارهای طلا و نقره یاد کرده که به شکل دایره بوده و در درون آنها نوشته‌هایی



نقش بسته است.

هم اکنون این شکل نوشته‌ها را در زبان عربی «کردشیه» می‌نامند.

از این پس، در این کتاب به هنگام سخن از جامات و طراز همواره کلمه کردشیه و کمردبند را به کار

می‌بریم. «مترجم»

۲- فاسی:، شفاء الغرام، ج ۱، صص ۱۲۲ و ۱۲۳

-۳

۴- دیباج؛ نوعی پارچه ابریشمی است.

۵- فاسی، شفاء الغرام، ج ۱، صص ۱۲۲

۶- محمد طاهر کردی، التاریخ القویم، لمکة و بیت الله الکریم، ج ۴، صص ۱۹۶ و ۱۹۷

۷- فاسی، شفاء الغرام، ...، ج ۱، صص ۱۲۲

۸- آل عمران: ۹۶

۹- ابن جبیر، الرحله، دار مکتبة الهلال بیروت، لبنان، ۱۹۸۱، صص ۱۴۱

-۱۰

۱۱- فاسی، شفاء الغرام ...، ج ۱، صص ۱۲۳

۱۲- ظاهر برقوق متوفای سال (۸۰ هـ.ق.) بوده است.

۱۳- فلقشندی، صبح الاعشی، ج ۴، صص ۲۸۱ و ۲۸۲

۱۴- فاسی: شفاء الغرام، ج ۱، صص ۱۲۳

۱۵- فلقشندی، صبح الاعشی، ج ۴، صص ۲۸۲

۱۶- این چترها به شکل ویژه‌ای ساخته می‌شد و آنگاه به وسیله جواهرات گران سنگ و نفیس، که ارزش آنها

غیر قابل تعیین بود، تزیین می‌گردید و سپس به سمت پیش روی کعبه؛ یعنی بر قسمت فوقانی در کعبه

قرار داده می‌شد و بدین صورت وضعیت زیبا و دلنشی را در این مکان به وجود می‌آورد.

۱۷- فاسی، شفاء الغرام، ج ۱، صص ۱۱۶؛ نک: ابن ظهیر، جامع اللطیف، صص ۱۱۱ و ۱۱۲

۱۸- مقریزی، تقی الدین احمد بن علی، اتعاظ الحنفا بأخبار الأئمة الفاطمیین الخلفا، تحقیق و تعلیق دکتر

جمال الدین الشیال، دار الفكر العربی، القاهرة، ۱۳۶۷ هـ/ ۱۹۴۸ م. صص ۱۹۳ و ۱۹۴

۱۹- همان مصدر، صص ۱۹۳ و ۱۹۴

۲۰- فاسی، شفاء الغرام، ج ۱، صص ۱۲۴

۲۱- فلقشندی، صبح الاعشی، ج ۴، صص ۲۸۲

۲۲- حسین عبدالله باسلامه، تاریخ الكعبة المعظمة، صص ۲۸۳ و ۲۸۴

۲۳- فلقشندی، صبح الاعشی، ج ۴، صص ۲۸۲

۲۴- ابن ایاس، بدائع الزهور، ج ۵، صص ۲۰۵

- ۲۵- ازرقی، اخبار مکه، ج ۱، ص ۲۵۸
- ۲۶- طبق فرمانی که از سوی عبدالله المهدی محمد خلیفه مسلمانان به محمد بن سلیمان داده شد، جامه‌ای به سبک «تنیس» به دست کارگزار خود خطاب بن مسلمه در سال یکصد و پنجاه و نه برای کعبه ساخته شد.»
- ۲۷- به نام خدا و برکت از خدا برای بنده‌اش مهدی امیر المؤمنین که خداوند عمرش را دراز گرداند! فرمان داد به اسماعیل بن ابراهیم که جامه‌ای به سبک «تنیس» بافته شود که این جامه به سال یکصد و شصت و دو، به دست حکم بن عبید ساخته شد.
- ۲۸- تونه؛ دهکده‌ای بوده در اطراف تنیس در مصر که گاه جامه کعبه مشرفه در آن ساخته می‌شد.